

دوره نهم تعلیمی

جلسه ۱۹۹۶

صورت مشروح

مذکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۲۳ آبان ماه ۱۳۱۲ - ۲۴ رجب ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۹۲

قیمت اشتراک { سالانه } داخله ۲۶ ریال / خارج ۱۰۰ ریال / تک شماره ۱ دوریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۱۲ هـ (۲۴ رجب ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- | | |
|--|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس | (۵) استرداد يك فقره لایحه و تقدیم يك فقره لایحه دیگر از طرف آقای وزیر عدلیه |
| (۲) شور تالی و تصویب لایحه اختیار بلدیہ ها نسبت بتوسعه خیابانها و زیبائی شهر | (۶) بیانات آقای رئیس راجع بشرفیائی |
| (۳) تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف | (۷) موقع ودستور جلسه بود - ختم جلسه |
| (۴) جنبه شور لایحه اختیار بلدیہ ها | |

(مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۱ آبان ماه و آقای مؤید احمدی (ونشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد .

۲ - تصویب اختیار بلدیہ ها در توسعه خیابانها و زیبائی شهر

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به شور دوم مقررات بلدی ماده اول قرائت میشود .

ماده اول - هر وقت بلدیہ توسعه یا احداث معبر یا خیابان یا میدانی را برای تسهیل عبور و مرور با زیبائی شهر لازم دالت بر طبق مواد ذیل وقتار خواهد نمود .

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - اولاً بنده يك مطلبی بود مربوط با این لایحه میخواستم آنرا تذکر بدوم هوقمی که این لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شد عنوان این لایحه انتراج مالکیت بود و حقیقه چون عنوان خوبی نبود در شور اول در مجلس ظاهراً مذاکره شد که این عنوان خوبی نیست و آنچه بنده شنیدم مخصوصاً در بعضی از نقاط ولایات و ایالات يك سوء تفاهمی را بین مردم ایجاد کرده است مردم خیال کردند دولت لایحه ای را بمجلس تقدیم کرد

عین مذاکرات مشروح چنین و هشتمین جلسه از دوره نهم تقنینیه

(مطابق قانون ۵ آذر ماه ۱۳۰۹)
دائر تنه نویسی و تحریر صورت مجلس

تذکره اسامی مخالفین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- عشیرینی اجزیه - آقایان : وهنا - ملک مدنی - مفتی - نواب زردی - اعظم زنکنه - طهرانی - انبیا - یونس آقا وهاب زاده - چایچی کورس - محسن آقا مهدوی - پارما
- دیر آمدگان : اجزیه - آقایان : دیر سهرابی - دکتر امیر اعظم - بقوانی - بیات - افندی - اسقندیاری - دکتر ادهم - مسعود تاشی طهرانی - مزدهی - قوام - وکیلی - شریعت زاده - قراکزاد - هراز - بیات ماکو .

برای انتزاع مالکیت در صورتیکه بدیهی است مطلب اینطور بوده و دولت همیشه اصل مالکیت را محفوظ داشته و خواهد داشت و این ابدأ مربوط با انتزاع مالکیت بوده و این لایحه‌ای که تصویب میشود مربوط با احداث خیابانها و قیمت املاک مردم است چون املاکی مردم در خیابانها دارند و فقراً وقتی که بلديه احداث خیابانی میکند که آن املاک از بین خواهد رفت دولت خواسته يك قانونی بیاورد و حقیقه این قانون نافع بحال مردم هم هست ملاکینی که ملکشان از میان میرود در مقابل پول میگیرند البته . اما در خصوص لایحه در کمیسیون قوانین عدلیه مخصوصاً در شور اول و دوم مذاکرات زیادی شد و اصلاحات خوبی شده و هیچ محل اشکال باقی نیست و حقیقه میتوان گفت که این لایحه دارد بتفیع مردم تمام میشود در این قسمت اشکالی نیست فقط در ماده اول بنده يك مشکل دارم که در کمیسیون هم عرض کرده آقای وزیر عدلیه هم نظرم می آید قبول کردند بعد اینجا در خیر کمیسیون ندیدم این بود که خواستم آنرا مجدداً تذکر بدهم بلديه چنانچه در احداث خیابانها ایدانهای عمومی محتاج است باینکه يك املاکی را از مردم خریداری کند هم بطور هر شهری غیر از مسئله خیابان يك مؤسسات عمومی هم احتیاج دارد و نمیتواند است بلديه در يك شهری که میخواهد زیبایی آنرا علاوه کند در آن شهر يك مؤسسات دیگری هم لازم دارد مثلاً مریضخانه دارالمجانین دارالتزییه دارالاساکین این قبیل مؤسسات بلديه ها لازم دارند و لابد مجبوراً در هر مملکت این مؤسسات باید باشد . متأسفانه در بعضی شهرها نیست بالاخره باید بلديه ها مراقبت بکنند که در هر شهری این مؤسسات باشد دارالتزییه دارالمجانین دارالرضاعه و مریضخانه های خوب باشد این است که بلديه احتیاج باین مؤسسات عمومی هم دارد باینجهت ممکن است وقتیکه میخواهند نقشه خیابانی را طرح کنند اینها را هم معلوم کنند و بلديه خریداری کند آنجا ها را اگر در این قانون تصریح نکنیم ممکن است

در بعضی جاها بلديه تصادف بکند به خریداری يك مالکی و آنوقت ما بین بلديه و مالك اختلافی تولید شود و اسباب زحمت بشود این است که بنده معتقدم که در ماده اول مخصوصاً علاوه بر توسعه میدانها خیابانهای عمومی این مؤسسات هم علاوه شود و يك مؤسسات عمومی هم بلديه میخواهد احداث کند تکلیف آنها هم در قانون باشد ما بین مردم و بلديه .

مخبر کمیسیون قوانین عدلیه (آقای مؤید احدی) -

در موضوع اول فرمایشات آقای البته همان قسم که فرمودند و بنده در جلسه گذشته هم توضیح دادم این لایحه تثبیت مالکیت است (صحیح است) بعلم اینست که وقتی بنا شد قیمت خانه را به قیمت عادلانه و همین خیره و خیره مشترك و محکمه ابدالی و قریه و آن ترتیبات بدهد اینها همه دلیل بر اثبات مالکیت است و البته اصل مالکیت محفوظ است و هیچکس هم بآن نمیتواند دست بزند اما این فرمایش اخیر آقای که بلديه بخوبی چیزها احتیاج دارد البته بنده هم تصدیق دارم که بلديه هر شهری مؤسساتی لازم دارد مریضخانهها پست های امدادی دارالمجانین دارالرضاعه زایشگاهها اینها را میخواهد مؤسساتی که واقعاً بحال عموم نافع است لکن این دلیل نمیشود که بنده را مجبور کنند خانه ام را بدهم که بلديه میخواهد زایشگاه درست کند؟! معایر و میدانگاهها يك موضوع دیگری است بلديه هر شهری فرض بفرماید لازم میدانند يك خیابان شرقی و غربی بکشد مثلاً در طهران که انوموییلها بهتر عبور کنند با اینکه اهالی آنطرف شهر باینطرف شهر زودتر و سریعتر برسند و محل انتفاع عموم است البته این جا نقشه را می کشد بهمن ترتیبی که در قانون پیش بینی شده انجمن بلدی تصویب می کند حکومت محل وزارت داخله تصویب میکنند صاحبان خانه ها حق اعتراض دارند پس از آنکه تمام اینها لازم دانستند که این خیابان مفتوح شود خانه ها را به قیمت عادلانه بخرند خیابان باز میکنند اما فرض کنید میخواهد يك پست امدادی باز کند باید خانه بنده را بگیرد! این که نمیشود آقای این است که این مخالف حرف اول است که فرمودید است باین جهت این اساس مالکیت را متزلزل می کند و همین مؤسسات

که بنده اسم مردم بجهت الله طهران دارد . دارالمجانین دارد مریضخانه دارد دارالرضاعه دارد مزاحم احدی هم نیست بعضی جاها خانه اجاره کرده اند و این مؤسسات را درست کرده اند زحمتی هم به کسی ندارد ولی وقتی ما در قانون نوشتیم همه جا که طهران نیست آقای فلان رئیس بلديه در فلان شهر با فلان آدم غرضی دارد میگوید آقای بنده می خواهم منزل شما را دارالرضاعه بکنم مسا هم که در قانون با اجازه داده ایم از این جهت استدعا می کنم از این پیشنهاد صرف نظر بفرمائید این جور چیزها را که بلديه محتاج است ممکن است برود اجاره کند یا خودش جا دارد زمین دارد . شما يك قانونی در این مجلس گذرانده اید که اراضی دولتی که در شهرها واقع است باغات عمارات دولتی که محل احتیاج دولت نیست مال بلديه ها است خودش جا دارد مؤسسات را ببرد در جاهای خودش دیگر مزاحم مردم نباشد لکن خیابانها و اینها بجای خودش صحیح است و محل احتیاج عموم است و باید بشود .

رئیس - آقای کاشف

کاشف - موافقم

رئیس - آقای معدل

معدل - بنده يك قسمت انتظارم بود که در شور دوم آقای وزیر داخله اقلات تشریف میداشتند تا از این لایحه که جنبه بلديه ای بیشتر است دفاع کنند بطور کلی بنده میتوانم عرض کنم که با این لایحه مخالفم علت مخالفت هم این است که قانون بلديه ای که از مجلس گذشته تقریباً دست و پای بلديه ها را بسته و این قانون موجب میشود که يك مقدار دیگر بر مشکلات بلديه ها افزوده شود . بلديه ها بایستی که قمار در مملکت ما دست و پایشان بازر باشد تا اینکه بتوانند موجبات عمران و آبادی شهرها را فراهم بکنند نازندگانی دهائی و ایلاتی ما تبدیل بزندگانی شهری بشود البته هر چیزی بالاخره روی چرخ خودش

خواهد افتاد و راه خودش را باز خواهد کرد يك روزی می آید که تمام این فیود و مشکلاتی را که ما امروز برای بلديه ها فراهم میکنیم و در حقیقت آنها را هم در ترازوی عدل و انصاف در ردیف يك فرد قرار بدهیم پیدا خواهد شد ولی تعجیل در این مورد بنظر بنده لزوم ندارد برای اینکه هر چه را ما خواستیم بصورت بهتری در بیاوریم خواه یا ناخواه با منافع يك عده اصطکاک پیدا خواهد کرد البته آن عده برای منافع خودشان سرو صدا خواهند کرد تقاضا خواهند کرد که منافع خودشان را بگیرند در اینجا بلديه ها آن استطاعتی که از عهد قدیم این خسارات برآیند ندارند و نتیجه این میشود که شهرها بصورت قدیم باقی خواهند ماند اگر ملاحظه بفرمائید که در طهران این توشش شده است و فداچند خیابانی پیدا کرده است و يك صورت آبرومندی بخودش گرفته این در اثر فعالیت يك مرد توانا و بی غرض است که در رأس بلديه قرار گرفته این کار را کرده و تماسش تقریباً با وزارت داخله کمتر بوده و الان قانون بلديه ها را اگر ملاحظه بفرمائید که در ولایات وقوع اجرا گذاشته شده بطوری مشکلات برای بلديه ها فراهم کرده که اینها نمیدانند که بالاخره آن آدمی که باید باینجا جواب بدهد وزارت داخله است یا والی است یا انجمن بلدی است یا مرجع دیگر در هر مورد باید بجهل مرجع و چهل مراجع بکند و هر کدام اینها يك اختلاف نظری دارند که آن موجب میشود که هیچ کاری پیشرفت نخواهد کرد و در اینجا دیده میشود که حالا يك مرجع دیگری هم برای ابتکار معین شده و آن تقریباً مراجع بآراء عمومی است آنهم يك مراجعه ناقص برای اینکه بعد از آنکه وزارت داخله و انجمن بلدی تصویب کرد آنوقت اعلان کنند که آبا مردم راضی هستند که خیابان را خراب بکنند و جزء شارع بکنند یا خیر نه تنها تمام قسمت ها فقط بهمان اشخاصیکه خانه شان را خراب میکنند البته آنها هم خواهند گفت خیر این است که این قانون باید بکفتری دیرتر بیاید بمجلس تا شهرها صورت آبادی بخودش بگیرد خیابانها کشیده شود تا خیابانها تمام نشود این قانون فایده ندارد (همه بین

نمایندگان - بعکس اگر قانون نباشد زحمت است (اجازه بدهید بنده عرض کنم را بکنم آقایان هم بعد دفاع بفرمایند البته اینقدر آزادی را باید داد که اگر کسی عرض دارد بکند. البته مقصود آقایان در این قسمت تأمین حقوق افراد است و این است که طوری بشود که بکسی ظلم و ستم نشود ولی بنده در این مدت ده سالی که این آبادی جا و عمران شروع شده يك شکایت از کسی نمی بینم که حق داشته باشد و بالاخره با این قانون ما وسایل فراهم میکنیم که دست و پا بلدی را از همه جهت می بندیم که نتواند کاری بکند

رئیس - بابتی این بحث در ماده دوم بشود

مخبر - عرض کنم بنده در موضوع را خواستم تذکر بدهم یکی اینکه فرمودند آقای وزیر داخله نسبتند البته این را در نظر دارند که وزراء مسئولیت مشترک دارند و بملاوه يك جمله از عبارات خودشان مخالف این حرف بود فرمودند که بلدی نه اسباب وزارت داخله نداشته که نوانسته است کاری بکند این مخالف آن قسمتی است که فرمودند آقای وزیر داخله باید دفاع کنند و ثانی از اینها آن اصل اولی که آقای طباطبائی دینا تذکر دادند در جلسه گذشته آقای دکتر طاهری فرمودند ما در این ملک اصل مالکیت را محترم بشماریم (صحیح است) نمیتوانیم ملک مردم را خراب کنیم که فلان شهر میخواهد خوب بشود (صحیح است)

رئیس - آقایانی که با مادام اول موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم مطرح است.

ماده دوم - ادارم بلدی مکلف است نقشه مشروح ممبر باخیایان و با میدان منظور را با ابعاد ذریعی که از هر خانه با مستقل و با زمین مشجر و با مزروع و با بیابان یا بیابان جزو شارع خواهد شد ترسیم نموده پس از تصویب انجمن بلدی و حکومت محل و وزارت داخله با تعیین موقع اجرای نقشه که لااقل سه ماه پس از انتشار اعلان یا اخطار کتبی خواهد بود بوسیله اعلان یا اخطار ببلدکن

بنده اصولاً میخواستم عرض کنم که خود بلدیها موافقت با این اصل برای اینکه بلدیها کاملادر محظور بوده اند نه تنها مردم در محظور بودند خود بلدیها هم در محظور بوده اند بر طبق مقررات نظامنامه های بلدی که از کمیسیون داخله دوره قبل گذشته تعیین قیمت اراضی که داخل در شارع میشود با انجمن بوده است و همینطور هم معمول بود ولی البته انجمن نمیتواند و يك مأخذ صحیحی هم در دست نداشت که يك قیمتی را معین کند بلدیها هم از چندین نقطه نظر در محظور بود گاهی ممکن بود تبعیض بشود گاهی اقساط داده نشود و کم داده بشود خود بلدیها هم از این حیث در زحمت بودند و همچنین مردم و این قانون البته قطع می کند آن محظورات را و کاملاً هم صلاح و صرفه مردم است و هم بلدیها.

مخبر - این ماده وقتی در کمیسیون مطرح بود يك موضوعی در لایحه دولت بود گفتیم که قبل از سه ماه حق ندارند شروع بخرابی کنند این در نظر آمد لکن در لایحه دولت هم بود که شاید يك محلی باشد يك موردی پیش بیاید که فوریت داشته باشد بلدیها يك شهری طهران یا سایر شهرها يك خیابانی را لازم میدانند که قبل از سه ماه افتتاح بکند مقتضای اینطور ایجاب میکند در همچو صورتی گویا آخر ماده را آقای کاشف توجه فرمودند فقط بتصویب انجمن نیست تصویب وزارت داخله را هم میخواهد انجمن با تصویب وزارت داخله ممکن است که انجمن بلدی يك شهری بعد از آنکه تصویب بکند که مقتضیات ایجاب میکند که این زودتر خراب بشود این باز قاطع نیست بابتی بیاید وزارت داخله و او اجازه بدهد و برگردد تا این کارها را بکنند یکماهش منقضی میشود این است که باید منحصر بيك ماه نباشد شاید چهل روز طول بکشد شاید دو ماه طول بکشد از این جهت محل را که انجمن بلدی و وزارت داخله هر دو مقتضی بدانند زودتر از سه ماه دستشان باز باشد ممکن است که کمتر باشد ممکن است بیشتر باشد.

رئیس - آقای طباطبائی دینا

طباطبائی دینا - اینجا تصریح شده که نقشه را بوسیله اعلان یا اخطار بمالکین و یا متولیان و متصدیان ظاهر این جمله این است که مختار است بلدیها یا اعلان کند فقط یا اخطار بمالکین و متولیان کند بنده عقیده ام این است که هر دو طرف قضیه يك اشکالاتی دارد که ممکن است اسباب زحمت و خسارت بشود اگر فقط اعلان باشد چون در بعضی جاها هیچ روزنامه نیست و مردم هم باید مطلع شوند آنوقت بلدیها مجبور است که اعلان را در معابر و دیوارها و مساجد الصاق کند و معلوم است که در بعضی جاها مردم متوجه باین اعلانات نمیشوند و اگر روزنامه هم باشد دیده شده است در بعضی مناقصه ها و مزایده ها در روزنامههاییکه کثیرالانتشار نیست فقط برای فور مالکین اعلان میشود که بگویند اعلان هم کردیم و کسی اعتراض نکرد اگر اخطار باشد باید بفرود متولیان و متصدیان و مالکین اخطار شود و این خیلی اسباب زحمت است و باید در هر شهری که میخواهند احداث يك خیابانی بکنند باید يك صورت صحیحی از تمام مالکین داشته باشند و همچنین از تمام متصدیان و متولیان که بفرود آنها اخطار کنند و این اسباب زحمت است و بعد در آخر ماده هم می نویسد که اینها حق دارند اعتراض کنند این است که ممکن است در يك شهری که به مالکین هم اخطار کردند مالکین فرض بفرمایند پنجاه نفر بودند مالکین هنوز نیامدند اعتراض بکنند چند نفرشان آمدند اعتراض کردند آنوقت شما باید بگویند چون چند نفر آنها نیامدند ما نمیتوانیم اعتراض شما را قبول کنیم این هم در عمل اسباب زحمت است و بنده عقیده ام این است که بوسیله اعلان بمالکین عمده آن محل اخطار کنند و الا بکنند اگر ده نفع زمین دارد بلدیها خواهد برای آن ده نفع زمین اعلان بکند این خیلی اسباب زحمت است و موجب خسارت مردم میشود

وزیر عدلیه - در قسمت فرمایش آقای نماینده واجب بایرادی که بر مدت فرمودند در جائیکه تقبلیش لازم بشود یعنی با تصویب وزارت داخله مدت را از سه ماه کمتر می کنند

و با متولیان و متصدیان در موافقت اطلاع دهد - در مواردی که ضرورت و فوریت اقتضا کند انجمن بلدیها میتواند بتصویب وزارت داخله مدت مروری را باقتضای موقع و محل تقلیل دهد.

از تاریخ انتشار اعلان مروری در ظرف یکماه مالکین خط توسعه خیابان با احداث میدان میتواند بر نقشه بلدیها چه از حیث لزوم و چه از حیث ترتیب نقشه اعتراض و دلایل اعتراض را با انجمن بلدیها عمل نمایند.

انجمن بلدیها مکلف است بدلائل اعتراض رسیدگی کرده نظر خود را در رد یا قبول اعتراض ضمیمه نقشه فرودم بوسیله را بوزارت داخله ارسال دارد و رأی وزارت داخله قطعی است.

رئیس - آقای کاشف

کاشف - در این ماده يك قصی بنظر بنده میرسد و تصور میکنم اگر توجهی بفرمایند ممکن است رفع شود و بعد اسباب زحمت برای مردم فراهم نشود برای اینکه مدت اجرای نقشه را سه ماه قرار داده اند بعد باز همچو اجازه ای میدهد با انجمن بلدیها که مدت را تقلیل بدهد بدون اینکه حدی برای آن تقلیل معین کند در جمله بعد میگوید که مردم می توانند تا يك ماه بعد از انتشار اعلان اعتراضات خودشان را به انجمن بدهند این تقلیلی که با انجمن اختیار داده شده است اگر مدتی کمتر از یکماه باشد آن قسمتهای دیگر معنی ندارد قسمت ثانی هم باید بهمان نسبت تقلیل داده شود بنا بر این بنده تصور میکنم که اگر تصویب بفرمایند آن مدتی را که انجمن اختیار دارد تقلیل بدهد کمتر از یکماه نباشد برای اینکه اگر کمتر از یکماه باشد نقض غرض است که در جمله بعد مقرر شده است این است که بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام که مدتی را که انجمن معین خواهد کرد و اجازه دارد تقلیل بدهد کمتر از یکماه نباشد برای اینکه اگر کمتر از یکماه باشد نقض غرض میشود و فایده ندارد اما در قسمت فرمایشاتی که آقای مجدل فرمودند

این ابنده تصدیق میکنم ولی آنوقت چون ممکن است تقابل کمتر از یکماه بشود برای مردم بحالی نباشد برای اعتراض ممکن است اینجا در آن قسمت بعد این جمله توضیح شود که اگر تقابل شد تا همان مدتی که فرود شده است اعتراض پذیرفته میشود این اصلاح بدست بشود و اما راجع بفرمایشات آقای دیبا که اعلان با اخطار باین ترتیب مناسب نیست عرض میکنم که اینها طرز عمل است متناسب جا و محل و موقع بکوفتی يك ميدانی است میخواهند باز کنند که این میدان دارای ده تا خانه است ایلا بمالکینش اخطار کنند کافی است يك وقت يك خیابانی است عند و با بیعز اهل شهر تماس دارد یعنی از حیث خانه با دکان با زمین اینجا البته اخطار مشکل است باید اعلان کنند و اینها طرز عمل است و البته طرز عمل را طوری میکنند که بهتر باشد اما اعتراض مالکین بسته بوسهت و بزرگی و کوچکی محل است اگر زیاد است یا حرف حسابی است که البته ترتیب اثر داده میشود و اگر بکنفر کوچک یا بکنفر بفرس باشد البته قابل توجه نیست ولی اگر قابل توجه باشد و اگر بکنفر هم باشد باید حرفش را شنید فرق نمیکند اینجا مالکین که گفته اند نه اینکه نظر جمع دارد یعنی مجموع من حیث المجموع دارد که بگوئیم اگر بکنفر از آن جماعت مالکین کم شد اعتراض پذیرفته نیست بنده نظرم غیر از این است نظر بیجنس است یعنی مالک و مالکین و مالک در اینجا حقیقه یکی است و نظر این است که اعتراض قابل توجه باشد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - يك اشیايی است که در اینجا لازم است تذکر داده شود و تصحیح شود و آن این است که در سطر سوم ماده دوم مینویسد که از هر خانه یا مستقل و با زمین مشجر و یا مزروع و یا بیاض یا میدان جزو شارع خواهد شد و بقفیده من میدان بعد از شارع باید باشد که در واقع اراضی را که بلدیه بخواد جزو شارع کند

یا جزء میدان کندنه این که میدان را جزء شارع کند پس باید میدان بعد از شارع نوشته شود.

مؤید احمدی (عبر) - اگر آقای وزیر عدلیه موافق باشند بد اصلاحی نیست.

وزیر عدلیه - همینطور است که فرمودند در طبع اشیاء شده و باید اصلاح شود.

رئیس - خطاب به آقای دکتر طاهری اصلاح را پیشنهاد بفرماید.

دکتر طاهری - پیشنهاد کردم

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام مفیع ریاست دامت شوکته

در ماده دوم پیشنهاد میشود در سطر سوم کلمه (یا میدان بعد از کلمه شارع نوشته شود) والا مطلب درست نیست.

رئیس - آقای وزیر عدلیه موافقت

وزیر عدلیه - بل صحیح است.

رئیس - آقای مخبر هم موافقت

مخبر - بنده هم موافقم.

رئیس - پیشنهادات دیگری رسیده است.

پیشنهاد آقای طهرانی

پیشنهاد میکنم - تبصره ذیل بماده دو اضافه شود:

بلدیه طهران مکلف است از تاریخ تصویب این قانون در مدت ششماه نقشه کامل معابر و خیابان های طهران و وسعت کوچه ها و آنچه برای بلدیه لازم است طبع و نشر نموده در دسترس عامه بگذارد.

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم که چندسال است بلدیه در طهران مشغول شده است و البته يك اقداماتی هم کرده است از احداث خیابانها و توسعه معابر و قبلا هم برای جلوگیری و عدم تظلم مردم هم يك اقداماتی کرده است فرض بفرمائید در بعضی خیابان يك کوچه است پررپاگاندهالی است که این کوچه خیابان میشود اساساً املاک مردم برای معامله خرید و فروش متزلزل است بلدیه هم که کارهای عوده در طهران کرده است و يك کارهای کنزی باقی مانده است این است که این پیشنهاد را بنده کرده ام

که باید نقشه کامل خودش را که بعد از این چه میخواهد بکند و چه خیابانهای را میخواهد شروع بکند این را در دسترس مردم بگذارد و گمان میکنم مزاحمتی هم باشد بلدیه هم مشغول تهیه این نقشه هست و زودتر توزیع میکند که مردم از این جهت آسوده باشند.

وزیر عدلیه - این موضوع امروز عمل نیست برای اینکه مثلا توسعه خیابان يك چیزی است که در نقشه آن ممکن است اختلاف نظر حاصل شود که بمصلحت مردم و اهل شهر باشد محدود کردن تا ششماه بیشتر اسباب زلزله مردم خواهد شد برای اینکه ممکن است نقشه را روی سلیقه و نظر مهندسين بکشند ولی بعد از مطالعه مصلحت نباشد برای اهل شهر این است که عنوان محدود کردن را بنده مصلحت نمیدانم.

طهرانی - استرداد میکنم.

پیشنهاد آقای کاشف

این جانب الحاق جمله ذیل را به آخر عبارت (وزارت داخله مدت مزبور را باقتضای موقع و محل تقلیل دهد) در ماده دوم پیشنهاد مینماید.

ولی حد اقل مدت مزبور من حیث المجموع نباید کمتر از یکماه باشد.

کاشف - توضیحاتی را که آقای مؤید احمدی در جواب بنده دادند بنده را قانع نکرد برای اینکه باز همین محظور خواهد بود برای اینکه اگر مدتی همین نشده بود برای اعتراض مردم این اشکالی نداشت انجمن ممکن بود در روز بیست روز پنجاه روز همین کند البته با تصدیق وزارت داخله است بالاخره مرحله استثنائی انجمن با وزارت داخله است ولی بعد از اینکه بعداً يك مدت اعتراضی برای مردم معین میشود در صورتیکه حدقلی برای تصویب انجمن نباشد تصور میکنم باشکال برمیخورد این است که بنده این اشکال را کردم

رئیس - عده کافی نیست. توجه آقایان را به يك نکه جلب میکنم فرق زیاد است بین شور اول و دوم شور اول در ابتدا و انتهایش يك رأی لازم است ولی در شور دوم دالماً رأی لازم است در پیشنهاد و مواد

حد نصاب ماهم برای رأی نود قراست از آقایان خواهش میکنم که در خارج شدن در جلسه این ملاحظه رعایت را داشته باشند که کمتر از نود نفر در مجلس نباشند

الرئیس - پیشنهاد را مجدداً قراوت بفرمائید چون آقایان الآن وارد شدند و نمیدانند چیست (پیشنهاد آقای کاشف تا باقرات شد)

رئیس - آقای وزیر عدلیه با این پیشنهاد موافقت؟ وزیر عدلیه - گمان میکنم پانزده روز کافی باشد و کمتر از او البته خیلی تخفیف است

کاشف - بنده موافقم با پانزده روز مشروط بر اینکه مدت اعتراض را هم پانزده روز فرار بدهند. و الا باز تناقض پیدا میکند

وزیر عدلیه - التفات فرمودید که بنده هم موافقت کردم در این قسمت که اگر تقلیل دادند کمتر از یکماه شد مناسب است که مدت اعتراض هم تا همان موقع اجرا باشد

مؤید احمدی (عبر) - بنده تصور میکنم آقای کاشف موافقت بفرمائید باماده و بقفیده بنده اگر میخواهد منع برساند باشخصیکه متزلزلان خراب می شود باید بدانند که از آنطرف هم مدت اعتراضشان کم میشود و ضرر ایشان میخورد بگذارد بهمین ترتیب باشد

کاشف - بسیار خوب

پیشنهاد آقای حمزه تاش:

پیشنهاد میکنم ماده ۲ باین طریق اصلاح شود: در قسمت اول ماده بعد از جمله (موقع اجرای نقشه) در اول ۵ ماه - و همچنین قسمت ۲ ماده بعد از جمله (از تاریخ انتشار اعلان مزبور) در طرف سه ماه

حمزه تاش - اگر آقای وزیر محترم عدلیه موافقت بفرمائید باین پیشنهاد بهتر است برای اینکه اشخاصی هستند که موقع انتشار اعلان ممکن است در خارج باشند و متواتر اعتراض کنند از این جهت خوب است باین پیشنهاد موافقت بفرمائید

وزیر عدلیه - سه ماه کافی است برای اطلاع همه کس

رئیس - آقایانیکه با پیشنهاد آقای حمزه ناس موافقت میفرمایند قیام نمایند (چند نفری قیام نمودند) تصویب نشد. رأی میگیریم بماده دوم با اصلاح پیشنهادی آقای دکتر طاهری آقایانیکه موافقت دارند قیام نمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

۳ - تقدیم بکفله لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف (آقای دولتخواهی) - يك لایحه بنده دارم راجع است بمهدان موقوفه وزارت پست و تلگراف. البته آقایان بخاطر دارند که در بودجه ۳۱۲ وزارت پست و تلگراف در فقره دو مبلغی به بین عنوان یش یشی شده است و تصویب شده البته پرداخت آنها مفید است با اجازه و تصویب مجلس شورای ملی عجباً برای يك قسمت از آن که رسیدگی شده است این لایحه را تقدیم میکنم که بعد از تصویب مجلس شورای ملی به موقع عمل گذاشته شود.

۴ - تهیه شور لایحه اختیار بلدیها

رئیس - ماده سوم - بلديه مكلف است هر مقدار از ملكى را که بموجب هتبه برای توسعه یا احداث شارع یا میدان لازم است بقیمت عادلۀ از مالك خریداری نماید و مالك نیز باید آن را واگذار نماید در صورتیکه بلديه قیمت را نپردازد مکلف است فرار موعده یا اقساط داده ولی در هر حال موعده یا اقساط نباید از سال مالی بلديه تجاوز کند هر گاه در تعیین قیمت عادلۀ بین طرفین اختلاف حاصل شود طرفین هر يك يكفر خیره یا بیشتر متساویاً معین نمایند و هر گاه بین خیره های طرفین توافق حاصل نشود يكفر خیره به تراضی طرفین یا جرعه معین وضعیه شده و رأی اکثریت آنها مناط اعتبار خواهد بود و تا رفع اختلاف و تعیین قیمت نشده است هیچگونه اقدامی از طرف بلديه برای خرابی ملك نباید بشود

بصره ۱ - مفصود از قیمت عادلۀ قیمت زمین بیاض یا مضامین بنا و اشجار قبل از اعلان توسعه است

بصره ۲ - در مورد موقوفات خریداری از متولی یا موافقت نظر مدعی العموم محل و حاکم محکمه شرع و نظارت اداره اوقاف خواهد شد

برای توسعه یا احداث شارع یا خیابان خریدۀ است خریداری نماید در صورتیکه باقیمانده زمین که بلديه علاوه بر خط توسعه خریداری کرده اگر مالك مجاور خیابان نخرد و برای زیبایی خیابان لازم باشد که جلو آن دیوار یا صندوقه کشیده شود مالك مجاور نمی تواند مخالفت از کشیدن دیوار بکند اگر چه زمین یا دیوار او برای بنای دیوار یا صندوقه تجاوز بشود

رئیس - آقای کاشف

کاشف - عرضی ندارم.

رئیس - آقایانیکه با ماده چهار موافقت دارند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود ماده پنجم - هر گاه ملك عقبی که بواسطه از بین رفتن ملك جلو مشرف بدمبر می شود بیش از صدی ده از دیاد قیمت حاصل کند زیادتی مزبور بوسیله خیره مطابق ماده ۳ تقویم خواهد شد و مالك ملك عقبی مکلف است ثلث اضافه حاصله را به بلديه تقدماً یا به وعده بانه ترتیب اقساط بپردازد ولی موعده پرداخت تمام یا اقساط نباید از سال مالی بلديه تجاوز کند:

بصره - در صورتیکه بعد از توسعه یا احداث یا خیابان یا میدان مالك مجاور خیابان یا میدان نخواهد بنائی بکند یا دیواری بکشد که متناسب با دیوار های سایر نقاط خیابان یا میدان مزبور باشد بلديه دیواری متناسب بخرج مالك مجاور خواهد ساخت و مالك مزبور باید مخارج آنرا بدهد.

ولیر عدلیه - در بصره می نویسد: در صورتیکه بعد

از توسعه یا احداث یا خیابان - این یا قبل از خیابان زائد است و باید حذف شود

رئیس - آقای کاشف

کاشف - بنده در شور اول پیشنهاد کرده بودم که ثلث میدول به نصف شود و يك توضیحاتی هم عرض

کرده بودم گویا مورد توجه واقع نشده البته تصدیق میفرمایند يك کسی که صد تومان استفاده بکند از يك عملی هیچ اشکال ندارد که نصف آنرا بدهد بکسی که منضرر میشود بنابراین مجدداً آن پیشنهاد را تقدیم میکنم.

مؤید احمدی (مخبر کیسیون) - در شور اول هم آقای کاشف گویا این پیشنهاد را فرموده بودند و در کیسیون هم مطرح شد در شور اول این بود که جریان بکند خسارت مالك جلورا و لیکن ملاحظه فرمودید که این در کیسیون اصلاح شده است اصلاً طرف بلديه است آن کسی که خانه اش در جلو خراب شده است بلديه مطابق قانون پولش را میدهد آنوقت بلديه با مالك عقبی طرف میشود و مربوط بملك جلویی نیست چون فرمودید که خسارنی که بآن صاحب ملك جلویی وارد شده است جریان شود آن خسارت جریان شده زیرا بلديه به قیمت عادلۀ خریده و پولش را داده است حالا يك آدم دیگری آمده است خانه اش مشرف بخیابان شده است بلديه از او حق میگیرد و صندوق بلديه میبرد و مربوط بملك جلویی نیست و البته تصدیق میفرمایند آن آدمی که خانه اش مشرف بخیابان شده مخارج عمده باید بکند از قبیل همین مخارجی که در اینجا پیش بینی کردیم که دیوارش را مثلا باید شیشه بدیوارهای خیابان بسازد باید مجرای آب پشت کوچه اش را محکم کند البته او هم يك مخارج کرده و ما دیدیم عادلانه تر همین است که ثلث از این متفنی را که برده به بلديه بدهد نه بشخص که این هم پیشنهاد آقای دکتر طاهری بود که در شور اول ما همین طور اصلاح کردیم از این جهت همین ثلث کافی است که صندوق بلديه بدهد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - چون بنده نبودم که این ماده خوانده شد اینجا در عبارت بصره در صورت احداث یا توسعه یا خیابان این (یا) قبل از خیابان زائد است (مؤید احمدی - اصلاح شده است) دیگر عرضی ندارم

رئیس - آلاباتیکه باماده پنجم و حذف این (با) که
اجاره فرمودند موافقت دارند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ششم

ماده ششم - هرگاه در نتیجه تغییر با اصلاح در معابر
قسمتی از شارع عام از شارع بودن خارج شود آن قسمت
متعلق ببلدیه خواهد بود و هرگاه بلدیه بخواهد آقیمت
را بفروشد مالك متضرر مجاور در درجه اول و مالكین
مجاور در درجه دوم با تساوی قیمت بر سایرین حق تقدم
نخواهند داشت

رئیس - آقای افسر

افسر - البته حالا که با این قانون میخواهیم کاملاً
مراعات حال مردم شده باشد و يك ضرری بمردم وارد
نیاید که هم منافع عمومی محفوظ بماند و هم منافع خصوصی
اینست که در این قسمت بنده عقیده ام اینست که باید يك
وقت توجهی بشود و آن اینست این زمین هائی که تغییر داده میشود
بالاخره در قسمت است یا خانه است با دکان یکی هم هست که در
کوچه های متعارفی است بنده در این قسمت کار نمیکند
و در قسمت دکان عرض میکنم گاهی قسمتی از خیابانهای
قدیم کج است و قتیکه میخواهیم مستقیم و درست شود
يك قسمتی از دکانهای آن طرف صد ذرع، ده ذرع از آن طرف و جلوی
این دکانها را بکلی بگیرد مثل اینکه در خیابان شاه پور و خیابان
نقاط ملاحظه فرموده اید عقیده بنده این است که باید
يك توجهی بخسارت آنها بشود یعنی زمین جلو را بنده
عقیده ام این است که بدهند صاحبان عقب یا بنصف قیمت
عادلۀ بلدیه بفروشند بان کسی که دکانش مثلاً سی تومان
پنججاه تومان اجاره داشته و حالا در اثر مستقیم نمودن
خیابان مغازه دیگری جلو او را گرفته و آن دکان را از
انتفاع و استفاده انداخته و ساقط نموده است در صورتیکه
با مراعات دیگران را کرده ایم این مورد را هم باید مراعات
کنیم یعنی باین وضعیت اگر زمینی دکان و مستقل بود

(اگر خانه باشد عرضی ندارم) بلدیه بنصف قیمت باید
بفروشد

مخیر کمسیون قوانین عدلیه (آقای مؤید احمدی) -

آقای افسر در کمیسیون هم این نظر را بیان فرمودند
(افسر - بلی. چون بجائی نرسید اینجا عرض کردم)
عرض کنم در مورد اول یکی از آقایان خاطر نیست کدام
يك از آقایان بودند يك عبارتی فرمودند که دیگر مجاور
متضرری باقی نیست و سراغ نداریم برای این که وقتی
بنساخته بلدیه به قیمت عادلۀ پول مالك متضرر را
داد دیگر متضرر مجاوری سراغ نداریم. فرمایش آقای
افسر در کمیسیون يك فرضی برای ما ایجاد کردند و دیدیم
که خیر ممکن است مجاور متضرری هم پیدا شود نه از حیث
قیمت بلکه از حیث آن مثلی که فرمودند مثلاً خیابان
دروازه قزوین بیشتر يك اوجاجی داشت در اصلاحات
بلدیه مستقیم شد يك قطعه ازش افتاد و از خیابان بودن
خارج شد و افتاده و حالا شده کوچه و خیابان افتادم
طرف شرقی او دکان هائی که آنوقت در خیابان واقع بود
حالا کوچه شده. زمین این را هم مطابق این ماده مادادم
به بلدیه. حالا بلدیه می خواهد این زمین را بفروشد درست
است که بملكین آن دکان از حیث خرابی ضرری وارد
نمده اما از این حیث متضرر شده اند که اصلاً موضوع
دکانشان از بین رفته یعنی هیچ شده ولی بنده تصور میکنم
همین قدر که ما باو حق تقدم دادیم که خودش بخرد و
بنا کند کافی باشد. ما که میگوئیم بلدیه. بلدیه مال عموم
است اگر پولی صندوق بلدیه برود خرج عامه مردم میشود
همینطور که ما میگوئیم بلدیه باید بقیمت عادلۀ ملك را
بفروشد همینطور اگر يك چیزی هم دارد باید بقیمت عادلۀ
بفروشد نه این که این زمین را بدهیم بکسی که حالا متضرر شده
ما که حق تقدم باو دادیم. حالا آقای افسر نظرشان این است
که خیر در قیمت هم تخفیف بدهند.

رئیس - پیشنهاد شاهزاده افسر قرائت میشود
بنده پیشنهاد میکنم که اراضی محاذی دکان و مستقل که پائی

می ماند و آنها را از انتفاع می اندازد باید به نصف قیمت
عادلۀ به صاحبان آن دکان بدهند.

رئیس - آقای افسر بفرمایند

افسر - بله. همینطور که آقای مؤید احمدی
فرمودند بنده در کمیسیون عرضی کردم که به نصف قیمت عادلۀ
بدهند. البته وقتی که در کمیسیون يك نظری اظهار شد ولی
قبول و پذیرفته نشد جای استیذان مجلس است باید در اینجا
صحبت شود تا اگر آقایان وارد دیدید پذیرفته شود. پس
اعتراضی بر بنده وارد نیست که چون در آنجا عرض کردم
و قبول نشد اینجا حرف میزنم. عقیده بنده این است در
این قانون برای همه پیش بینی شده حتی برای آن کسی
که انتفاع میبرد میگوئیم يك نك بدهد و باقی اش را
برای مخارجش میگذاریم خوب در این صورت يك
بیچاره که دکان در خیابان داشته و پنج ذرع جلوی
او باقی میماند و این پنج ذرع باید بگری بدهد و از مستقل این
قطر يك زمین ناقص باقی میماند یعنی نسبت زمین مجاور
که پانصد یا هزار ذرع بوده و منزل شده يك مربع پنج درشش
ذرعی باقی میماند. (سی ذرع بیست و پنج ذرع) این
بدرد هیچ کاری نمبخورد نه منزل میشود نه دکان. ولی
دکان عقبی بکلی از استفاده افتاده و حال آنکه همین دکانی
بوده که ماهی سی تومان پنجاه تومان عایدی داشته بعقیده
بنده چون همه را مراعات کرده ایم این را هم باید مراعات
کنیم که اگر موردی شد که جلو دکان و بنائی را گرفته
و آنرا از انتفاع انداخت این را بنصف قیمت عادلۀ بلدیه
به آن شخص واگذار کنند و نصف قیمت عادلۀ را از این
بیچاره بگیرد دیگر بسته بنظر محترم آقایان است.

وزیر عدلیه - قانون البته برای يك مصالح عمومی
با يك مفاسد عمومی است جزئیات را در نظر گرفتن و
برای هر امر جزئی قانون وضع کردن خیلی مشکل است.
ممکن است يك زمینی در نتیجه تغییر شارع تغییر کند
این اصولاً مال بلدیه است. و اساساً هیچ مالکی را
میتوان مجبور کرد که بیا و ملكت را نصف یا نك قیمت
بده میزان کلی در فروش اموال دولتی و بلدی روی اصول

مزایده است در فروش و مناقصه است در خرید این مورد
هم تعلقی بشهر و عموم است. و این هم يك فرضی است
خیلی کم و نادر یا شاید است (یکی از نمایندگان - موجود
است) ولی خیلی کم و غالبی نیست و کم اتفاق می افتد
بعلاوه در مسئله ضرر از نقطه نظر قضائی اختلاف فوق
العاده پیدا میشود تا اینکه اثبات کند این متضرر شده است
یا نشده است یا حسابش بیشتر متضرر شده است یا کمتر
و در اثبات این معنی اختلاف فوق العاده روی میدهد و
اشکال میشود و این يك حکم عمومی است و بنظر بنده
تغییری ضرورت ندارد چنانچه در کمیسیون هم همینطور
خدمت آقا عرض کردم.

رئیس - آلاباتیکه با پیشنهاد آقای افسر موافقت دارند
قیام فرمایند. (چند نفری قیام نمودند) قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای وکیل

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶ بفرار ذیل اصلاح
شود.

ماده ۶ - هرگاه در نتیجه تغییر با اصلاح در معابر
قسمتی از شارع عام از شارع بودن خارج شود آن قسمت
متعلق ببلدیه خواهد بود در صورتیکه از صاحب و فروش
قسمت مزبور بمالك ملك عقبی یا مجاور ضرر تولید شود
بلدیه مكلف است آن قسمت از اراضی را بقیمت عادلۀ بمالك
ملك عقبی یا مجاور آن بفروشد
رئیس - آقای وکیل

وکیل - در این ماده میگوید که هرگاه بلدیه بخواهد
آن قسمت را بفروشد. اگر بلدیه بخواهد بفروشد چه؟
فرض بفرمایند يك کسی در خیابانی ملكی دارد که هزار
ذرع از این اراضی بطرف خیابان است و قتیکه بلدیه
این خیابان را درست میکند دو ذرع از او را ملك خودش
میکند يك ملكی که آنوقت نوعی پنج تومان قیمت داشت
اگر دو ذرع آرا بلدیه تصاحب کند تمام آن ملك از استفاده
میانده همینطور يك کسی اگر چند باب دکان داشته باشد و بلدیه
بباید دو ذرع از طرف شمال خراب کند باز طرف جنوب

صاحب کرد اگر صاحب ملک جدید که بلدی باشد مختار باشد برای فروش تمام ملک های عقبی بکلی از بین خواهد رفت اینچاه موضوع خرابی ملک بیست موضوع برای ملک عقبی است که صاحبش يك مهازه دارد و اگر دو ذرع آن را بلدی صاحب کند و بفروشد آن بیچاره بکلی از بین خواهد رفت از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که بلدی مکلف باشد آن را صاحب ملک عقبی بفروشد. (صحیح است)

وزیر عدلیه - ممکن است ولی شاید متناهی مصالح بلدی باشد. برای این که يك شارعی یا میدانی اگر لازم باشد برای خود بلدی و لو اینکه از شارعیت اقتاده باشد چون بلدی لازم دارد نمی توان بیچ قاعده او را ملزم فروش کرد. ولی در صورتیکه بخواهد بفروشد ما گفتیم مجاور مقدم است اما این که بلدی مکلف باشد بفروشد این معنی ندارد. این فرضی که شده که مهازه یاد کاکین از اعتبار می افتد اگر جلو ساختن او است یا ممبر آنجا است که البته مال بلدی است و باید هم باشد. پس جانی را بلدی میتواند بفروشد که بیچ وجه محل احتیاج برای شهر باشد

مجهرب که سیون عدلیه - آنطوریکه آقای پیشنهاد کردند که بلدی مکلف فروش باشد بلکه از يك قاط نظری محل احتیاج خود بلدی باشد. ما گفتیم که بلدی حق ندارد از برای مؤسسانش باید و املاک مردم را بگیرد حالا فرض کنید که يك قطعه زمینی ملک بلدی باشد و همان طور که آقای وزیر عدلیه فرمودند وقتی ملک او شد تمام آثار مالکیت بر او بار است پس نمی شود او را مکلف کنیم که يك آدمی بفروشد شاید برای مؤسسانش لازم داشته باشد از این جهت بلدی را نمی شود مکلف کرد که بفروشد. البته وقتی لازم نداشت مطابق قانون دولتی بپردازد میگذارد آنوقت اول مجاور منضر بعد سایر مجاورین را حق تقدم بر عامه مردم داریم. اما اگر محل احتیاجش باشد نمی شود او را الزام فروش کرد

و کلبی - اجازه میفرمایند عرض کنم.

رسیدگی کند عادلانه تر این است که استیفاء هم داشته باشد و الا این ماده به عقیده بنده از مواردی است که باید به حکمیت رجوع شود از نقطه نظر تسریع عمل. اگر این طور صلاح بداند که اختلافات بین مالکین و بلدی به حکمیت ختم شود زودتر کار تمام می شود و عادلانه تر هم هست

وزیر عدلیه - حکمیت فقط در اختلافاتی است که ممکن است تولید شود بین خود مردم. و این اختلافی که تولید می شود بین مردم و بلدی از امور اداریت و اختلافی نیست که در مالکیت و حقوق مالکیت باشد تا محکمه لازم داشته باشد در این جا ملاحظه شد که بالاخره برای رفع هر اختلافی از همه بهتر این است که يك محکمه رجوع شود. و در این جا يك نظر جمعی گرفته شد. برای این که هم به محکمه برود و هم يك قدری هم طرز اداری داشته باشد بنابراین تمام مراحل قضائی را لازم نیست طی کند اینکه فرمودید به حکمیت ارجاع شود آهوری که به حکمیت ارجاع می شود يك آهوری است که حکومت وجدانی و اضافی لازم داشته باشد آنها مناسب است بحد حکمیت رجوع شود. اما آهوری که روی اصول قوانین باید ختم شود باید با محکمه باشد در این جا نه در مالکیت مالک حرف است و نه در لزوم خریداری بلدی برای اینکه مقامات صالحه تصویب کرده اند. اختلاف فقط بر سر قیمت است که باید بتصدیق خبره معین شود خبره هم اول براضی است بعد برقرعه. ممکن است در اجرای این ماده اختلافاتی حاصل شود که محتاج به قضات باشد. این است که این قبیل کارها با محاکم است نه حکمیت زیرا که حکم قانون نمیداند و آشنا با اصول نیست. پس این مناسب است به محکمه برود نه به حکمیت

رئیس - آقای طباطبائی دیا.
طباطبائی دیا - اختلافی که در این ماده ذکر شده است چنانچه آقای وزیر عدلیه هم توضیح دادند غیر از اختلاف قیمت است. در ماده سوم که اختلاف قیمت بود در کمیون يك جمله اضافه شد که در لایحه دولت نبود و بعقیده کمیون آن جمله که اضافه شد خیلی صحیح بود و آقای وزیر عدلیه هم قبول کردند و آن این بود که

تاریخ اختلاف و تعیین تکلیف شده اقدامی از طرف بلدی راجع به خرابی ملک نباید بشود. بنده نظرم این است که این جمله در این ماده هم علاوه شود اختلافاتی که این مردم و بلدی (غیر از قیمت) تولید میشود تا محکمه رسیدگی نکرده و حل نشده بلدی اقدام بخرابی نکند زیرا ممکن است امر رجوع شود به محکمه و محکمه بر این شخص رأی بدهد. پس بلدی نباید اقدام بخرابی کند تا تکلیف در محکمه معلوم شود. و بعقیده بنده اگر آن جمله اینجا علاوه شود هیچ ضرری ندارد

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم همان جمله کافی است برای این که وقتی يك همچو اختلافی تولید شد در این جا معلوم می شود هنوز تعیین قیمت نشده مادمی که تعیین قیمت نشده و اختلاف باقی است البته بلدی اقدامی نخواهد کرد. اختلاف چه در تعیین خبره باشد چه در کیفیت خبره باشد چه در جهات دیگر معلوم می شود که هنوز اختلاف باقی است و بلدی شروع با اقدام نخواهد کرد. از این جمله ماده مشمول آن جمله بوده و محتاج نیست. (کافی است)

رئیس - آقایانیکه ماده ۷ موافقت دارند قیام فرمایند (اگر قیام نمودند) تصویب شد ماده هشتم: ماده هشتم - مواد ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ در مورد املاکی نیز مجری خواهد شد که قبل از تاریخ اجرای این قانون در دایره عملیات بلدی راجع به توسعه و تغییر معبر و با احداث معابر عمومی جدید اختلاف بوده و تا تاریخ اجرای این قانون ترتیب قطعی در رفع اختلاف اتخاذ شده است مجری خواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست آقای احتشامزاده پیشنهاد کرده اند پیشنهاد آقای احتشامزاده:

رئیس - آقای احتشامزاده
احتشامزاده - پیشنهاد بنده معنی بريك اصلاح عبارتی است برای این که در ابتدای عبارت ماده نوشته مجری خواهد شد و در آخر ماده هم نوشته مجری خواهد بود این است که

جمله آخر زیادی و همان اولی عقیقه بنده کافی است ماده این طور باید نوشته شود. مواد ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ در مورد املاکی نیز مجری خواهد شد که قبل از تاریخ اجرای این قانون الی آخر.

وزیر عدلیه - مجری خواهد بود اما آخر باید مجری است. (مجری خواهد شد) را از اول برمیداریم.

رئیس - (خطاب با احتشام زاده) نظر آقا نمایندگان نظر آقای خبر هم همین است پیشنهادی از آقای کاندف رسیده است.

پیشنهاد آقای کاندف

این جانب پیشنهاد مینماید که بجای عبارت (مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶) فقط مواد (۴ و ۵ و ۶) ذکر شود.

رئیس - آقای کاندف

کاندف - اولاً خیلی لازم بود که آقای وزیر عدلیه راجع به جمله (تریبب قطعی در رفع اختلاف اتخاذ شده است) توضیح بدهند چون معلوم نیست که منظور چیست و خیلی مبهم است. يك وقتی در انقضاء اختلاف بوده يك وقتی اختلافات دیگری پیش میآید. این جمله به عقیده بنده خیلی مبهم و موجب يك گنگی هائی خواهد شد فرضاً اگر اختلاف در موضوع قیمت باشد باز نسبت با شخصی که تریبب قطعی اتخاذ شده شاید يك اچجائی شده این بود که بنده پیشنهاد کردم ماده ۳ را مشمول این ماده نکنند تا حال بهر نحوی که عمل شده بهمان تریبب باشد از این بعد مطابق این قانون باشد.

وزیر عدلیه - اینکه فرمودند در ماده ۳ برای چائی است که هنوز اختلاف باقی است و قیمت معلوم نشده و البته برای اختلافی که باقی مانده است باید قانون يك تکلیفی همین کند مثل همین قانون نسبت به آیه هیچ تفاوتی ندارد و اما تریبب قطعی که فرمودند برای احتراز از این است که يك عملیاتی بلدییه قبل از این قانون کرده است و يك تریببائی داده اند (مقصود از تریبب قطعی این است) که بین بلدییه و مالك سكوت شده است و قبول شده حالا حکم باز یاد اگر این نوسعه پیدا کند تمام مالکین قبل

در معمول به بکنم اگر اجازه میفرمائید. ماده آخر همیشه در قوانین برای تاریخ اجرا و طرز اجرا است (صحیح است) و رسم بود که ماه همیشه بآن ماده رأی میکردیم بعد بماده های الحاقیه میپرداختیم ولی از این يك ضرر هائی پیدا میشد و آن این بود که ممکن بود يك مواد الحاقیه بیاید که با این ماده آخری که مجموع قانون با طرز اجرای قانون است تنافی داشته باشد و این ماده که مربوط با اجرای قانون است بایستی در آخر این قانون باشد اگر اجازه میفرمائید بنده مواد الحاقیه را قبل از آن ماده آخر رأی بگیرم

چند نفر از نمایندگان - صحیح است
ماده الحاقیه پیشنهاد آقای اورنگ

ماده الحاقیه را بعنوان ماده ۱۱ پیشنهاد میکنم: اداره بلدییه مکلف است منتهی در مدت دو سال در اطراف کلبه خیابانهای نوسعه باقیه شهر اشجار بنشانند!

رئیس - بفرمائید

اورنگ - عرض میکنم که راجع باین قانون بنده و همه آقایان را قطع دارم حقیقه خیالی خورسندیم. اگر از بهترین قوانین نگاشته باشیم لااقل در ردیف قوانین بسیار خوب گذشته است برای اینکه تا امروز رویه مردم نسبت با ادارات بلدییه و همچنین رویه ادارات بلدییه نسبت بمردم هر دو مبهم بود هم مردم اعمال خودشان را در مقابل رفتار بلدییه نمیدانستند و هم بلدییه تکلیف خود را نسبت به خلق نمیدانست ولی باین قانون تکلیف طرفین نسبت بیکدیگر مشخص شد و هر کسی تکلیف خود را میداند و الحمد لله بخوشی هم ملاحظه فرمودید که با کمال سرعت این قانون از طرف آقایان استقبال شد و رات ولیکن من تأسفی دارم و آن این است که نصیحتی دارم من. يك کسی گفت اگر میخواهی حرقت اثر کند در مزاج منعمه اگر از سزه است آن حرف را در موقع سرما و در وقتی که هوا سرد است بزن و اگر حرف از گرمی است آن حرف صبر کن در گرمی و در وقتی که حرارت همه را بجان آورده است و عطش در مزاج ها

بواسطه حرارت آفتاب زیاد است آن حرف را در آن موقع بزن اثر خود را در آن موقع خوب میکبری. من هیچ از تفسیر نمیرود در موقع تابستان که جلسه در حوضخانه تشکیل میشد راجع باین بحث و موضوع بقول آقایان روضه و بقول بنده تشریح موضوع کردم بطور تفصیل و همه آقایان تصدیق فرمودند عرض کنم پیشترها ملاحظه فرموده بودید که کوچه ها با خیابانها هفت ذرع هفت ذرع عرض داشت و دیوارها هم بلند بود آنوقت بکف دیوار اشجاری هم در يك ردیف داشت کوچه اگر بپهن بود وسط هم اشجار داشت دیوارهاش همه بلند بود سایه در دیوار هم تک میکرد و غالباً همچو معماری سایه داشت و سقف خانه ها هم کله بود غالباً اینطور بود حالا آن سقف خانه ها غالباً شبروانی آهن دده و دیگر اینکه آن عرض هفت ذرع چهل ذرع سی و پنج ذرع سی و هشت ذرع شده حالا که اینها در عرض پیدا شده سقفها هم آهن شده درخت هم نباشد حقیقه ملاحظه میفرمائید که آن عمری که برای ما نقل می کنند در کتابها این عمر را خودمان مینیم حالا واقفاً وقتیکه این عرض را میکنم اواسط پائیز است و همه آقایان قدری لباس ها را ضخیم کرده اند برای اینکه گرم شوند اما باد میاورند از آن وقتی که عبور از وسط همین میدان بهارستان از این جانبش بآن جانبش میور بود مقدور بود حالا علاوه از همه اینها و این حرفها ما بظل الله عادت داریم يك عادت طبیعی داریم احتیاج طبیعی داریم احتیاج بدرخت حالا برای زیبایی تنهام نیست حالا مالکی هست که آنجا درخت میکارد برای زیبایی مال ما اینچنین نیست زیبایی هم دارد داشته باشد اما حاجت مبرم داریم بوجود درخت بنده عرضی ندارم در اینکه خیابان باید وسیع شود و حاجت امروزه دنیا اینست که این اندازه از مبر وسیع باشد ولی وقتیکه این خیابان وسیع شد پیاده روی هم همین شد از این جانب و از جانب مقابلش این پیاده روی که منظم شد خود بلدییه و همچنین بهالکین مجاور امر شود که شما این درختها را باین کیفیت بکارید با خود بلدییه

و تکلف باشد بکار برای اینکه فوق العاده تا مطبوع است (صحیح است) خیال میکنم که البته آقای وزیر عدلیه هم کمال موافقت را با این ماده دارند و این ماده الحاقیه را برای آسایش همه عرض کردم

ولیر عدلیه - پیشنهاد آقای اورنگ خیل خوبست ولی تصور میکنم که مناسبت با این قانون ندارد از اینکه این قانون استیفاء امتزاج مالکیت باشد که آقایان عرض کردند با اینکه اثبات مالکیت است با نیست که انهم ببخود اغراق است چرا باید اغراق گفت مالکیت در جای خودش ثابت است قانون مقررات بلدییه است در هر حال با این قانون که طرز ممالک و رفع اختلاف بین مالک و بلدییه است این ماده الحاقیه بکفایت خوب نمیچسبند و آنچه را که بنده اطلاع دارم این است که بلدییه ها و همچنین بلدییه طهران هم است که درخت کاری میکنند در خیابانها

مویلد احمدی (مخبر کبکیون قوانین عدلیه) - پیشنهاد آقای اورنگ را تصور میکنم کسی با آن مخالف باشد اما همینطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند جایز اینجا نیست و بنده دو تذکر را لازم دانستم عرض کنم یکی بر حسب اطلاعی که داشتم از مقامات عالییه به بلدییه امر شده است که خیابان های طهران را منجر کنند و الان هم می بینید که در خیابان ها جا هایی که سنگ و آسفالت کرده اند کورال هایش را زده اند و جای درخت ها را باقی گذاشته اند این قانون مال طهران تنها نیست مال تمام ایران است با این ترتیب یعنی بنظر عباس را باید درخت کاشت (بعضی از نمایندگان - بله بله) این پیشرفت میکند اگر آب داشته باشد خیلی خوبست (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید آقا عرض کردم در جا هایی که ممکن است و آب باشد مانعی ندارد ولی در این قانون نمیشود این را گذاشت پارسال بنده اطلاع دارم بلدییه کرمان هزارو پانصد تومان داد درخت از امدهان برد بکرمان و تمام خشک شد برای اینکه آب ندارد پس نمیشود این را جزو قانون کرد و بلدییه ها را تکلف کرد که بجای درخت بکارند البته باید در هر جا که ممکن است بکارند

رئیس - آقای اورنگ استرداد بفرمائید **اورنگ** - بنده قدم از این پیشنهاد تذکر بزرگوار دارم آقای وزیر عدلیه برای من منبر است بنده الان در زردسپه آن درخت هایی که با وعده آقای وزیر عدلیه که قطع دارم غرس خواهد شد دارم عرض میکنم از این جهت استرداد میکنم. (خنده نمایندگان)

رئیس - پیشنهاد آقای روسی **ماده الحاقیه** - تشخیصیکه اراضی بیاض را در شهرها از نظر ترقی قیمت فروخته و مانع از آبادانی آن اراضی میشوند اگر خریداری پیدا شد و قیمت عادله فروختند از فرار ذریعک ریال در ماه مالیات بلدییه خواهند پرداخت **رئیس** - بفرمائید

روسی - عرض کنم بنده قصدی نداشتم فقط تصورم این بود که شهرها باید رو بترقی بروند و عمران خودش را بعد کمال پیدا کنند بعضی سرمایه هست که اینها به مصرف های بد میرسد و آن این است که زمین می خرند در غالب شهرها و احتکار می کنند يك ببقوله هالی را نگاه میدارند برای اینکه گران بفرروشند و این ببقوله ها در وسط شهرها باقی است بنده قدم این است که این زمین را اگر بخواهند بخرند شهرها را آباد کنند مانع نباشد قدم تذکر بود بنده توضیح خودم را دادم و منتردم می دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی کرده اند که يك سهمش را مذاکره کردند و يك سهمش مانده است.

طهرانی - اگر اجازه می فرمائید چون آن پیشنهاد بنده جامع است و مطابق فرمایش آقای وزیر مربوط بقانون می شود بخوانند

پیشنهاد آقای طهرانی
ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم:
بلدییه تکلف است در خیابانها و سایر عمومی درخت کاری نماید و همچنین صاحبان خانه و مستغلات را ملزم نماید که در حریم خانه و مستغلات درخت کاری کنند درختهایی

که مالکین مستغلات و خانه ها غرس می نمایند متعلق به خود آنهاست درختهایی هم که تا کنون مالکین غرس کرده اند مالک خودشان میباشد. **رئیس** - بفرمائید

طهرانی - عرض کنم آقای وزیر عدلیه فرمودند درخت کاری می شود بلدییه هم این را در نظر دارد بسیار خوب چه ضرر دارد که این جزو قانون باشد و همه بلدییه ها تکلف باشند که هم مردم را ملزم کنند در حریم خانه هایشان درخت کاری کنند و هم خودشان درخت بکارند و درخت هم هر کس بکارند در حریم خانه اش مالک خودش است و البته تدوین میشوند و می کارند و خیلی هم خوب است آنچه را هم که بلدییه غرس میکند که هست اما اینکه فرمودند آقای مؤید احمدی که بعضی جاها بواسطه نبودن آب درخت نمیشود کاشت اینهم مانعی ندارد بلدییه ها هر جایی را که دیدند مناسب است و اقتضا دارد درخت بکارند اگر هم ندارد که نمیکارند بهر صورت درخت کاری امر خیلی خوب است و بنده تصور میکنم اگر این ماده را تصویب بفرمائید خیلی خوبست.

ولیر عدلیه - خاطر آقای طهرانی را متوجه میکنم باین نکته که اساساً قانون با تکلیف میکند بیک امری یا نهی میکند از يك امری در نتیجه يك چیزی است که جنبه عمومی در آن است یعنی اگر امر است غفلت آن موجب ضرر است یا نهی میکند کاری را که بنظر عموم و جامعه فاسد است و زیان برساند و باید قانون رفع کند درخت کاری نه از این امر است نه از آن امر يك امری است مجوز و با صلاحیت و جزو سلیقه است باید هم بکارند باید هم غرس کنند البته بهتر است ولی جزء قانون کردن مثل این است که يك امتناعی از این کار بوده است و حالا بوسیله قانون میخواهیم امر و اجرا کنیم این بنظر بنده زندگی دارد و خوب نیست.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانند پیام فرمائید (عده قلیلی برخاستند) قابل توجه شد. آقای احتشام زاده پیشنهادی داده اند.

پیشنهاد میکنم ماده دهم بطریق ذیل اصلاح شود: ماده دهم - این قانون از اول آذر ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذاشته میشود. **رئیس** - بفرمائید

احتشام زاده - در ماده دهم برای وزارت داخله و وزارت عدلیه تعیین تکلیف شده است و بعفیده بنده متناسب نیست قوانینی که وضع میشود دولت و مؤسسات آن مکلفند با اجرای آن ولی از اینجا که این قانون وضع شده است تاریخ اجرائش معلوم نیست و تعیین نشده و تکلیف اجرای این قانون باید معلوم شود و این پیشنهاد بنده مربوط به تعیین تکلیف این ماده است.

ولیر عدلیه - در قسمت اینکه ما در اجرای قانون دولت است اشکالی نیست اختصاصی هم بوزارت عدلیه و وزارت داخله ندارد ولی مناسبتش این است خیلی مشکل نیست. اما مسئله تاریخ اجرا يك تاریخ اجرای معمولی قانونی هست که بطور قانون معین میکنند. مطابق قانون مدنی و آن این است که بعد از انتشار ده روز در مرکز و علاوه از آن مسافت قانونی که از شش فرسخ باشد تا چند روز و تصور میکنم همان کافی است و لزومی ندارد. (کافی است)

رئیس - آقایانیکه با ماده دهم موافقت دارند پیام فرمائید (اغلب برخاستند) تصویب شد. مذاکره در کلیات است (مخالفی ندارد) آقایانیکه با مجموع قانون موافقت دارند پیام فرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد [۵ - استرداد يك فقره لایحه و تقدیم يك فقره لایحه دیگر از طرف آقای ولیر عدلیه]

رئیس - (خطاب به آقای وزیر عدلیه) یاد داشتی به بنده داده بودند در باب استرداد و تقدیم لایحه **ولیر عدلیه** - اجازه بفرمائید بدو عرض می کنم يك لایحه قبلاً تقدیم کرده بودم راجع به تغییر نسبی از قانون اصول محاکات از برای عتبار شمال غربی آذربایجان برای اینکه محتاج بیک تجدید نظری در او هست آن را استرداد میکنم.

لایحه هم هست تقدیم میکنم و این مربوط به مستخدمین است که مرتکب جنحه و جنایت می شوند مرتکبین جنایت تکلیفشان معلوم است به حکم قانون ممنوع از حقوق اجتماعی هستند ولی آن قسمت هایی که مرتکب جنحه میشوند آن جنحه ها در قسم است بعضی ها هست که به امانت و درستی مستخدم صدمه میزند از قبیل سرفتن کلاه برداری خیانت در امانت و بعضی از جنحه ها هست که مربوط با آنها نیست و در نتیجه اوقات تلخی سری شکسته است مقتضی است قسمتی از استخدام ممنوع باشد تا يك مدتی و بعضی ها هم مقتضی نیست که ممنوع باشند این لایحه راجع بآن موضوع است که تقدیم می کنم (صحیح است)

۶- بیانات آقای رئیس راجع بشرقیایی

رئیس - معمول بود در اعیاد و مواقع مخصوص هیئتی بطور قرعه انتخاب میشدند که به معیت هیئت رئیس برای

عرض تبریک یا عرض مطالبی که ضرور باشد شرفیاب شوند مدتی بود آقایان نمایندگان اظهار شوق و رغبت میکردند که جمعی در مواقع عرض تبریک شرفیاب شوند (صحیح است) و مشترکاً از این سعادت بهره مند گردند خوشبختانه ترتیبی که اخیراً برای سلام داده شده است بوضعی است که تمام آقایان شرفیاب خواهند شد و اقتزاع دیگر منطقی ندارد و بخودی خود غیر ضروری میشود این است که اقتزاع نخواهد شد مگر در مواقعی که فرستادن هیئت مخصوص ضرور باشد (صحیح است)

[۷ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - جلسه آینده یکشنبه است و هشتم آبان سه ساعت قبل از ظهر دستور شور ثانی لایحه مالیات بر عایدات .

(مجلس بیست و یکم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع باحداث و توسعه معابر و خیابانها

ماده اول - هر وقت بلديه توسعه با احداث معبر یا خیابان یا میدانی را برای تسهیل عبور و مرور یا زیبایی شهر لازم دانست بر طبق مواد ذیل رفتار خواهد نمود .

ماده دوم - اداره بلديه مكلف است نقشه مشروح معبر یا خیابان و یا میدان منظور را با مقدار ذریعی که از هر خانه یا مستقل و یا زمین مشجر و یا مزروع و یا بیاض جزو شارع یا میدان خواهد شد ترسیم نموده پس از تصویب انجمن بلديه و حکومت محل و وزارت داخله با تعیین موقع اجرای نقشه که لااقل سه ماه پس از انتشار اعلان یا اخطار کتبی خواهد بود بوسیله اعلان یا اخطار بمالكین و یا متولیان و متصدیان در موقوفات اطلاع دهد - در مواردی که ضرورت و فوریت اقتضا کند انجمن بلديه میتواند با تصویب وزارت داخله مدت مزبور را باقتضای موقع و محل تقلیل دهد .

از تاریخ انتشار اعلان مزبور در ظرف یکماه مالکین خط توسعه خیابان یا احداث میدان میتوانند بر نقشه بلديه چه از حیث لزوم و چه از حیث ترتیب نقشه اعتراض و دلائل اعتراض را بانجمن بلديه محل تسلیم نمایند . انجمن بلديه مكلف است بدلائل اعتراض رسیدگی کرده نظر خود را در رد یا قبول اعتراض ضمیمه نقشه نموده در سیه را بوزارت داخله ارسال دارد و رأی وزارت داخله قطعی است .

ماده سوم - بلديه مكلف است هر مقدار از ملكی را که بموجب نقشه برای توسعه یا احداث شارع یا میدان لازم است بقیمت عادلانه از مالك خریداری نماید و مالك نیز باید آنرا واگذار نماید و در صورتیکه بلديه قیمت را نقداً نپردازد مكلف است قرار موعده با اقساط داده ولی در هر حال موعده با اقساط نباید از سال مالی بلديه تجاوز کند .

هرگاه در تعیین قیمت عادلانه بین طرفین اختلاف حاصل شود طرفین هر يك بکثیر خیره یا بیشتر متساویاً معین مینمایند و هرگاه بین خیره های طرفین توافق حاصل نشود بکثیر خیره بتراضی طرفین یا بقرعه معین و ضمیمه شده و رأی اکثریت آنها مناط اعتبار خواهد بود و تارفع اختلاف و تعیین قیمت نشده است هیچگونه اقدامی از طرف بلديه برای خرابی ملك نباید بشود .

تبصره ۱ - مقصود از قیمت عادلانه قیمت زمین بیاض یا بالضمام بنا و اشجار قبل از اعلان توسعه است .

تبصره ۲ - در مورد موقوفات خریداری از متولی یا موافقت نظر مدعی العموم محل و حاکم محکمه شرع و نظارت اداره اوقاف خواهد شد .

تبصره ۳ - در صورت احتیاج بقرعه برای تعیین خیره مشترك قرعه در محکمه بدایت یا صلحیه محل و در صورت نبودن محکمه در محضر حاکم محل بعمل خواهد آمد و در صورت استتکاف بکطرف از تعیین خیره مختص یا مشترك محکمه یا حاکم اشخاصی را که خیروبت داشته باشند خود در نظر گرفته و خیره ای که باید معین شود از بین آنها انتخاب مینماید

تبصره ۴ - عمارات مسکونی که صاحبان آنها بواسطه احتمال خرابی برای توسعه اجازه ساختمان از بلديه گرفته و ساخته اند هرگاه در نتیجه تصمیم بلديه بتوسعه یا احداث شارع یا میدان تا ده سال از تاریخ صدور اجازه

خراب کردن آن لازم شود قیمت آن باید تقدماً داده شود مگر آنکه مالك با قسط رضایت دهد

ماده چهارم - در صورتیکه از ملك یا موقوفه علاوه بر آنچه جزء شارع یا میدان میشود مقداری بماند که با وضعیت حاضر قابل انتفاع نباشد و قابلیت ساختمان جدید با انتفاعی هم نداشته باشد بتکلیف مالك یا متولی بلديه باید باقیمانده را نیز بقیمت متناسب با قیمت مقداریکه برای توسعه یا احداث شارع یا خیابان خریده است خریداری نماید در صورتیکه باقیمانده زمینی که بلديه علاوه بر خط توسعه خریداری کرده اگر ملك مجاور خیابان نخرد و برای زیبایی لازم باشد که جلو آن دیوار یا صندوقه کشیده شود ملك مجاور نمیتواند ممانعت از کشیدن دیوار بکند اگر چه بزمن یا دیوار او برای بنای دیوار یا صندوقه تجاوز بشود

ماده پنجم - هرگاه ملك عقبی که بواسطه ازین رفتن ملك جلو مشرف بمعبر میشود بیش از صدی دوازده قیمت حاصل کند زیادتى مزبور بوسیله خبره مطابق ماده ۳ تقویم خواهد شد و مالك ملك عقبی مکلف است ثلث اضافه حاصله را ببلديه تقدماً یا بموعده یا بترتیب اقساط بپردازد ولی موعده پرداخت تمام یا اقساط نباید از سال مالی بلديه تجاوز کند

تبصره - در صورتیکه بعد از توسعه یا احداث خیابان یا میدان ملك ملك مجاور خیابان یا میدان نخواهد بنائی بکند یا دیواری بکشد که متناسب با دیوار های سایر نقاط خیابان یا میدان مزبور باشد بلديه دیواری متناسب بخرج ملك مجاور خواهد ساخت و ملك مزبور باید مخارج آنرا بدهد

ماده ششم - هرگاه در نتیجه تغییر یا اصلاح در معابر قسمتی از شارع عام از شارع بودن خارج شود آن قسمت متعلق ببلديه خواهد بود و هرگاه بلديه بخواهد آنقسمت را بفروشد مالك منضرر مجاور در درجه اول و مالکی مجاور در درجه دوم با تساوی قیمت بر سایرین حق تقدم خواهند داشت

ماده هفتم - باختلافاتی که ممکن است در مورد مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۶ بین بلديه و مالکین تواید شود محکمه ابتدائی محل و در صورت نبودن محکمه ابتدائی محکمه صلحیه محل بنوریت و خارج از نوبت رسیدگی کرده حکم خواهد داد - عدم حضور یکی از طرفین مانع رسیدگی نخواهد بود حکم محکمه قطعی است

ماده هشتم - مفاد مواد ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ در مورد املاکی که قبل از تاریخ اجرای این قانون و در اثر عملیات بلديه راجع بتوسیع و تغییر معابر و یا احداث معابر عمومی جدید اختلاف بوده و تا تاریخ اجرای این قانون ترتیب قطعی در رفع اختلاف اتخاذ نشده است مجری خواهد بود

ماده نهم - اراضی یا بناهای خرابی که در داخل شهر واقع و دیوار بمطرف خیابان یا شارع یا میدان نداشته و متعلق با نظافت و زیبایی شهر باشد بعد از اخطار بلديه بمالك یا متولی ملك یا متولی تا سه ماه از تاریخ ابلاغ اخطار باو باید بنا یا دیوار بسازد و اگرگاه حاضر برای ساختمان یا دیوار نشود بلديه بخرج ملك با عوائد موقوفه دیواری متناسب با دیوار های سایر نقاط آن خیابان یا میدان خواهد ساخت

ماده دهم - وزارت داخله و وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون میباشد
این قانون که مشتمل بر ده ماده است در جلسه بیست و سوم آبان ماه یکم هزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی دادگر